

سرکوب خواسته‌هاک بر حق مزدگیران ایران



کارگران دو کارخانه عظیم صنعتی اراک آذراب و هپکو چندین ماه بود که به صورت مقطعی دست به اعتراض و اعتصاب به خاطر پرداخت نشدن حقوق معوقه خود می‌زنند که هر دفعه با وعده پیگیری مطالباتشان از طرف صاحبان منصب به اتمام می‌رسید و مجبور به برگشت به کار می‌شدند. اما کارگران در هفته گذشته و اینبار هم به علت خلف وعده مسئولین کارخانه، برای رساندن صدای خود به گوش دولتیان و صاحبان سرمایه اعتراضات خود را به خارج از کارخانه کشانده و با بستن راه آهن و بخشی از جاده‌ها مجبور شدند تا به این وسیله اعتراض خود را علنی کنند.

نیروهای گارد ضد شورش با حمله به تجمع کارگران ماشین آلات «هپکو» و تجمع کارگران «آذراب»، با استفاده از باتوم و گاز اشک آور کارگران معترض را زخمی و پراکنده کرده‌اند. چنانچه پوروفایی ضمن انتقاد از رفتار نیروهای امنیتی پلیس با کارگران معترض هپکو و آذراب گفت: اعتراضات صنفی کارگران به دنبال احقاق حق آنها و دریافت مطالبات عقب افتاده شش ماهه‌شان بود، ولی برخورد نیروی انتظامی شایسته کارگرانی که به دنبال دریافت مطالبات خود هستند؛ نبود. کارگران کارخانه آذراب می‌گویند: وضعیت کنونی کارخانه آذراب نتیجه عملکرد یک فرد نیست. پرداخت بخشی از معوقات مزدی در برابر انبوهی از مشکلات معیشتی فقط حکم ریختن قطره‌ای آب روی آتش را داشته است و هنوز شرایط اقتصادی خانواده‌های آنها تا مرز رسیدن به شرایط عادی فاصله دارد. امروز ممکن است نام آذراب به خاطر سه ماه معوقات مزدی زبان زد عام و خاص شده باشد اما در روی دیگر



سکه مجموعه‌ای از مطالبات صنفی بر زمین مانده وجود دارد که بازبینی طبقه‌بندی مشاغل و شرایط نابرابر مزدی میان کارگران خط تولید با کارکنان دفاتر مرکزی از جمله آنهاست.

علی خدای، عضو کارگری شورای عالی کار نیز با اشاره به اینکه وضعیت روابط کار با چالش‌هایی روبه‌رو است، گفت: فضای کار کشور با توجه به مسائل رخ داده در برخی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها مانند چسب هل و رفتار با کارگران و همچنین حاشیه‌های اعتراض کارگران کارخانه‌های هپکو و آذراب نشان می‌دهد که وضعیت حوزه روابط کار از رکود اقتصادی که مسئولان کشور از آن صحبت می‌کنند؛ هم نامناسب‌تر است و نباید در مقابل کارگرانی که شش ماه حقوق دریافت نکرده‌اند برخورد‌های تند کرد. فعالان کارگری هرگونه برخوردی را با کارگران محکوم می‌کنند.

نادر قاضی‌پور نماینده مجلس می‌گوید که: این شرکت به فردی واگذار شده که بدهی بانکی، مالیاتی و تامین اجتماعی داشته و ممنوع‌الخروج بوده است. در ابتدای واگذاری، فرد خریدار تلاش کرده با فروش اموال مازاد کارخانه، بدهی دولت را پرداخت کند که این اقدام تخلف است. طبق قرارداد، شرکت هپکو باید با مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان و ضمانت نامه بانکی ۱۵۰ میلیارد تومانی واگذار می‌شد که در این مورد خریدار تنها با پرداخت ۱۰ میلیون تومان واگذاری صورت گرفته است، این مسائل به دلیل اختلافات در واگذارهای در سازمان خصوصی‌سازی ایجاد می‌شود. طبق قانون هپکو باید یک طرفه فسخ شود و وزارت صنعت، معدن و تجارت سرپرستی این واحد تولیدی را برعهده گیرد.

این نخستین بار نیست و آخرین بار نخواهد بود که تجمع مسالمت‌آمیز کارگران برای دست یابی به مطالبات صنفی با خشونت و سرکوب نیروهای گارد ویژه، امنیتی و پلیس مواجه می‌شود. از کشتار بیرحمانه کارگران معدن خاتون آباد سال‌های زیادی نمی‌گذرد، از دستگیری گسترده کارگران مبارز و حق طلب نیشکر هفت تپه چند ماهی می‌گذرد، زخم شلاق‌های معدن کاران هنوز مرحم نیافته است، هنوز تعداد زیادی از فعالین کارگری هستند که تنها به خاطر فعالیت صنفی خودشان مجبور به اخراج از کار و یا زندان شده‌اند. هنوز رضا شهبانی فعال سندیکایی شرکت واحد تهران و حومه به خاطر درخواست‌ها و فعالیت‌های صنفی‌اش اخراج شده است و پس از هفته‌ها اعتصاب غذاهم اینک با جرایم امنیتی در زندان بسر می‌برد.

حاکمیت سی و هشت سال جمهوری اسلام نشان داده است که در این نظام جواب تجمع مسالمت آمیز کارگران برای مطالبات برحق صنفی‌شان جز سرکوب و زندان پاسخ دیگری ندارد. و البته کارگران و زحمتکشان و مزدگیران ایران تنها از طریق تداوم مبارزه می‌توانند به تحقق خواسته‌ها و مطالبات خویش دست یابند. و این مهم میسر نیست الا با حمایت همه جانبه مزدگیران از مبارزه صنفی و فعالین صنفی، تکیه بر حرکت جمعی و صنفی و سندیکائی، تا گامی رو به جلو برای تحقق حداقل حقوق انسانی و اولیه آنها باشد.

دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است

تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمیتوانند وارد فرایند «سازمان گری شکل مستقل طبقاتی» بشوند.

اعتصاب غذای رضا شهابی به طور مشروط متوقف شد

رضا شهابی راننده زحمتکش شرکت واحد که برای رساندن فریاد دادخواهی اش به گوش همگان و مسئولین مربوطه در مورد عدم رعایت بدیهیترین حقوق انسانی اش از سوی دادستانی تهران و نیروهای امنیتی به ناچار اعتصاب غذا کرده بود، با توجه به اینکه مقام ارشد امنیتی به ایشان در حضور خانواده قول داده است در اسرع وقت به خواسته اش رسیدگی می شود، همچنین جهت پایان دادن به دل نگرانی های خانواده، همکاران، خواست سندیکای شرکت واحد و دیگر سندیکاها و تشکلات کارگری داخلی و بین المللی، فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و دوستدارانش در سراسر جهان در ساعت ۲۱ پنجم مهر ۱۳۹۶ اعلام کرد اعتصاب غذایش را به طور مشروط متوقف می کند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمایت کامل و همه جانبه از خواسته های آقای رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکا که برای آن پنجاه روز است اعتصاب غذا کرده و جانش را به خطر انداخته است اعلام می دارد.

بیکاری در برخی شهرهای ایران به ۱۰ درصد رسیده

عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور می گوید در حالی که میانگین نرخ بیکاری در ایران ۱۲ درصد اعلام شده، بیکاری در برخی از شهرهای به ۶۰ درصد رسیده است. بهار امسال مرکز آمار ایران اعلام کرده بود که استان های البرز، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه بالاترین نرخ بیکاری را دارند. بر پایه این گزارش نرخ بیکاری در استان های البرز، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه در بهار سال ۹۶ به ترتیب ۲۰.۴ درصد، ۲۰.۳ درصد و ۲۰.۲ درصد بوده است. در آن سوی جدول استان های مرکزی، سمنان و همدان قرار دارند که کمترین نرخ بیکاری را دارند. نرخ بیکاری در استان مرکزی ۷.۴ درصد، در استان سمنان ۸.۸ درصد و در استان همدان ۸.۹ درصد بوده است. به گفته عبدالرضا رحمانی فضلی، «در بین تحصیل کرده های ما رقم بیکاری بسیار بالاتر از آن چیزی است که به طور متوسط اعلام می شود. مرکز آمار ایران در آخرین گزارش نرخ بیکاری سال ۹۵ را ۱۲.۴ درصد و جمعیت بیکاران را سه میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرده است. با این حال سلمان خدادادی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی آمار واقعی بیکاری در ایران را ۲ تا ۳ برابر رقم رسمی می داند. به گفته او جمعیت بیکاران ایران ۶ میلیون و گاهی نیز تا ۱۰ میلیون نفر گزارش می شود. عبدالرضا رحمانی فضلی چهارم مهر ماه امسال گفته بود هر سال یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکاران این کشور افزوده می شود، این در حالی است که ایران برای ایجاد یک میلیون شغل در سال، باید سالانه ۸ درصد رشد اقتصادی داشته باشد. طبق تعریفی که مرکز آمار ایران از اشتغال به دست داده، کسانی که یک ساعت در هفته کار کنند، آنان که به طور موقت کارشان را ترک کرده اند، افرادی که بدون دریافت مزد برای خویشان خود کار می کنند، کارآموزان، و نیز محصلانی که در هفته آمارگیری کار کرده اند نیز شاغل محسوب می شوند.

چرا شکایت های صنفی راه به جایی نمی برد؟

شریفی کارشناس رسمی دادگستری با بیان اینکه همه کارگران قادر نیستند با توجه به مشکلاتی که بابت امنیت شغلی دارند از کارفرمایان خود به صورت رسمی شکایت کنند، تصریح کرد: اینکه صرفاً از کارگر بخواهیم بدون واهمه دادخواست خود را ثبت کند کافی نیست چراکه اگر کارگری قصد شکایت از کارفرمای خود را داشته باشد ابتدا عواقب آن را برای خود سبک و سنگین می کند. هم اکنون به علت بالا رفتن تعداد دادخواست های ثبت شده در مراجع حل اختلاف ادارت کار و کمبود بازرسان کار برای رسیدگی به شکایات، این ادارات از لحاظ فنی بیشتر قادر به بررسی شکایت های مربوط به پرداخت نشدن مزایای مزدی همچون بن کالا و سنوات ایام خدمت هستند و در نتیجه در رسیدگی به شکایات مربوط به پرداخت نشدن حداقل دستمزد توفیق چندانی ندارند. وی با بیان اینکه دیده شده در کارگاه های کوچک دستمزدهای کارگران به صورت دستی پرداخت می شود تا پرداخت دستمزدهای کمتر از مصوب قانونی در سیستم بانکی ثبت نشود. حتی ممکن است که به کارگر رسید داده نشود تا هیچ سندی برای شکایت علیه کارفرما وجود نداشته باشد.



اعتراضات کارگری در هفته ای که گذشت

تجمع سراسری بازنشستگان کشوری و لشگری

بازنشستگان کشوری و لشگری در تهران و شهرستانها تجمع برگزار کردند. این تجمع در تهران مقابل تالار وحدت و در استانها مقابل ساختمان صندوقهای بازنشستگی برگزار شد. جمع کثیری از فرهنگیان بازنشسته در این تجمع شرکت کرده بودند. خواستههای بازنشستگان، اجرای همسانسازی و عملی شدن قانون خدمات مدیریت کشوری است.

اعتراض کارگران معدن زغال سنگ طزره به پرداخت نشدن معوقات مزدی

کارگران معدن زغال سنگ طزره از زیرمجموعههای معادن زغال سنگ البرز شرقی نسبت به پرداخت نشدن دو ماه مطالبات خود معترض شدند. کارگران معترض می‌گویند: به دلیل مشکلات مالی دیگر قادر به گذران زندگی خود نیستند و اگر این وضعیت استمرار پیدا کند حتی توان ثبت‌نام بچه‌هایشان را در مدرسه ندارند. کارگران بابت دستمزد تیر و مرداد طلبکارند و پیش از این دستمزد خرداد ماه خود را پس از سه ماه تأخیر در پنجم مرداد ماه، دریافت کرده‌اند.

وعده کارفرمای نوظهور برای پرداخت مطالبات محقق نشد و کارگران امروز هم تجمع کردند

حدود ۲۰ نفر از کارگران کارخانه نوظهور در محوطه کارخانه تجمع کرده‌اند و خواهان آن هستند که ۵ ماه مطالبات مزدی (فرودین تا مرداد) آنان پرداخت شود. کارگران می‌گویند با وجود اینکه نزدیک به هفت روز از وعده پیامکی کارفرما می‌گذرد مطالبات مزدی ۵ ماه ابتدایی سال ما پرداخت نشده است و این موجب شده برای امرار معاش از اطرفیان خود پول قرض بگیریم. کارخانه نوظهور که زمانی شمار کارگران شاغل در آن تا حدود چهارصد نفر می‌رسید، از ۱ مرداد سال جاری تعطیل شده است. از طرفی سه ماه از حق بیمه‌های کارگران نوظهور در سال ۹۶ پرداخت نشده و متعاقب آن دفترچه بیمه‌های آنان تمدید نشد. این مشکل حتی موجب شده کارگران نتوانند از مقرری بیکاری بهره‌مند شوند.

تجمع کارگران هپکو مقابل استانداری استان مرکزی

گروهی از کارگران کارخانه هپکو اراک در ادامه اعتراضات صنفی مقابل ساختمان استانداری استان مرکزی تجمع کردند. یکی از کارگرانی گفت: در واکنش به محقق نشدن وعده پرداخت مطالباتمان و همچنین نامشخص بودن وضعیت کارخانه اینجا جمع شده‌ایم. بعد از آنکه در روز ۱۳ خرداد ماه، مالکیت این واحد صنعتی از سوی مسئولان سازمان خصوصی‌سازی به سهامدار جدید واگذار شد، مسئولیت پرداخت ۴ و نیم ماهه مزد کارگران نیز به عنوان یکی از تعهدات کارفرمای جدید تعیین شد که هنوز محقق نشده است. قرار بود براساس تعهدات کارفرمای جدید تا پایان خرداد ماه همه معوقات مزدی و بیمه‌های کارگران پرداخت شود اما تا به امروز کارفرمای جدید اعلام کرده است که توان مالی کافی برای پرداخت مطالبات معوقه کارگران را ندارد.

امتناع کارگران هپکو و آذراب از کار کردن

محمدتقی آبائی هزاه مدیرکل اداره کار استان مرکزی گفت: کارگران هپکو و آذراب در محل کارخانه حاضر شده‌اند، اما به دلیل اعتراض نسبت به معوقات مزدی، دست از کار کشیده‌اند. امروز کارگران آذراب و همچنین کارگران هپکو در محل کارخانه‌هایشان حاضر شده‌اند اما به خاطر اعتراض نسبت به ماه‌ها معوقات مزدی، کار را تعطیل کرده‌اند و علیرغم حضور در محل کار، در محوطه کارخانه بیکار نشسته‌اند. این کارگران نسبت به اوضاع نابسامان شغلی و ماه‌ها مطالبات مزدی پرداخت نشده اعتراض دارند و بایستی به اوضاع آنها رسیدگی شود.

اعتراض کارگران پیمانکاری معدن کرومیت اسفندوقه

جمعی از کارگران معدن کرومیت اسفندوقه در اعتراض به بیکار شدن سه نفر از همکاران خود و پرداخت نشدن بخشی از مطالبات مزدیشان مقابل ساختمان استانداری و اداره کل کار استان کرمان تجمع کردند. کارگران علاوه بر تعویق حدود دو ماه دستمزد حدود ۴۰ کارگر این واحد معدنی، به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل معترض هستند. از خواسته‌های این کارگران؛ بازگشت به کار سه نفر از کارگرانی هستند که از ورود به محل کارشان منع شده‌اند. کارگران با بیان اینکه این سه نفر به عنوان نماینده صنفی از سوی کارگران بخش پیمانکاری معدن اسفندوقه انتخاب شده‌اند، افزودند: خواسته ما برگرداندن همکارانمان به کار سابقشان است ضمن اینکه باید مطالبات مزدی‌مان که هم‌اکنون به صورت حداقلی پرداخت می‌شود، به‌روز شود.

پیش به سوی شناخت جنبش کارگری ایران

جنبش دانشجویی پیشقراول جنبش دموکراتیک در ایران است

بیانیه مشترک ۶۴ تشکل دانشجویی در محکومیت سرکوب خشونت‌بار کارگران معترض کارخانه های هپکو و آذرب

با گذشت نزدیک به چهار دهه از انقلاب که با هدف رهایی ملت مظلوم ایران از یوغ استعمار، استبداد و استعمار برپا شده بود و با حضور همه جانبه مردم و اقشار مختلف جامعه از جمله کارگران همراه بود، انتظار آن می‌رفت که نحوه تعامل با کارگران به گونه‌ای دگر و در شان این انسان‌های شرافتمند و این قشر زحمتکش باشد... از بهار ۹۵ که در ظمی آشکار ۱۷ تن از کارگران معترض معدن طلای آق‌دره با ضربات شلاق در ملاعام روانه منزل و عده‌ای نیز روانه حبس شدند تا وضعیت نامناسب معدن زغال‌سنگ یورت آژادشهر که منجر به فوت ۴۳ معدنچی در بهار ۹۶ شد. اکنون بار دیگر با شنیدن اخبار حمله به کارگران و سرکوب شدید اعتراضات صنفی آنان قلب‌ها به درد آمده است. کارگران کارخانه آذرب اراک در اعتراض به عدم دریافت حقوق چهار ماه خود و همچنین اعتراض به حواشی آخرین نشست مجمع عمومی سهامداران این کارخانه، که معتقد به عدم رعایت ترتیب‌های قانونی این نشست بودند دست به برگزاری تجمع صنفی زدند. از طرفی دیگر کارگران کارخانه هپکو اراک به دلیل وضعیت نامعلوم معوقات مزدی خود و دریافت ناقص مطالبات مزدی و بیمه‌ای خود از زمستان سال گذشته، به صورت همزمان تجمعی را برگزار نمودند. که این تجمعات با حمله بسیار خشن و ناجوانمردانه نیروی انتظامی به کارگران مظلوم همراه شد. ... همه ی این‌ها در وضعیتی است که کارگران از حداقل امکاناتی برای رساندن صدای خود مانند سندیکاها بی بهره بوده و حتی با بدن نیمه جان این سندیکاها و اعضای آن هم برخورد های امنیتی می‌شود.

ما تشکل های اسلامی که بنابر اقتضای هویتی خود چه در قبل از انقلاب و چه بعد از آن در هر ظلم آشکاری، جانب مستضعفین و مظلومان ایستاده ایم این بار اما خواستار رفع هر چه سریعتر مشکلات کارگران کارخانه های هپکو و آذرب اراک، برخورد با عوامل این سرکوب خشونت بار و دلجویی مسئولین از کارگران آسیب دیده هستیم. جناب آقای روحانی، رئیس جمهور وظیفه ای غیر از شعار در زمان انتخابات دارد، حضور در جمع کارگران معترض نباید تنها در زمان انتخابات برای کسب آرا و رفتاری نمایشی باشد، امروز محل آزمون دولت شماسست و از رئیس جمهوری که ادعای منشور حقوق شهروندی و پاسخگو بودن را دارد، انتظار می‌رود که در برابر پایمال شدن حقوق کارگران سکوت ننموده و در جهت تسهیل ایجاد نهاد های صنفی و سندیکاهای کارگری گامی موثر بردارد... «امتی که حق ضعیفان را از زورمندان باصراحت و بدون خوف و ترس نگیرد، هرگز پاک نمی‌شود و روی سعادت را نمی‌بیند» نهج البلاغه، نامه ۵۳

استعفای دسته‌جمعی شورای صنفی يك دانشکده دانشگاه علامه

اعضای شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی با صدور بیانیه‌ای به صورت دسته جمعی استعفا دادند. به گزارش دریافتی انصاف نیوز، متن این بیانیه در پی می‌آید: مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی پس از چندین سال کوشش برای ساکت نگه داشتن صدای مطالبه‌گر دانشجویان و در روندی خلاف قانون، در شرایطی انتخابات شورای صنفی را در آذرماه سال ۹۵ برگزار کردند که موظف بودند طبق اطلاعیه‌ی وزارت علوم در مهرماه اقدام به این عمل نمایند... مدیریت دانشگاه بر خلاف وعده‌های پیشین راه تعامل با شوراهای صنفی را در پیش گرفته و هر بار از عمل کردن به قول‌های خویش در جهت بهبود وضعیت زیست دانشجویان سر باز زدند.

متأسفانه در طول انتخاب واحد ما شاهد مشکلات عدیده‌ای چون نقص فنی سامانه سما، برنامه‌ریزی اشتباه گروه‌های آموزشی که منجر به انتصاب واحد گشته است و پرداخت پول برای دروس افتاده از دانشجویان روزانه که بر خلاف آیین‌نامه آموزشی است، بوده‌ایم... خلف وعده آنان پیرامون لغو قانون سنوات... تغذیه و انتخاب واحد شد... خراب کردن فضای عمومی دانشکده علوم اجتماعی بدون توجه به صحبت‌ها و جلسات مکرر شورای صنفی دانشکده با جناب دکتر مزینانی ریاست دانشکده، آن هم در زمانی که دانشکده علوم اجتماعی نیازهای زیادی برای بهبود وضعیت عمرانی و رفاهی داشت، گوشه‌ای از این هزینه‌های اشتباه هست... حال در این وانفاسا شنیده‌ها حاکی از آن است که مدیریت دانشگاه جناب دکتر سلیمی در شرایطی سودای وزارت در سر دارند که در تمامی دوران ریاست‌شان تمامی کارشکنی‌های ممکن را نه تنها علیه شوراهای صنفی انجام دادند که حتی از برطرف نمودن ابتدایی‌ترین نیازهای دانشجویان نیز عاجز بودند... ایشان در تمام طول دوره با تکروری‌ها و خود رایی‌ها، مطالبات به حق دانشجویان را به محاق برده و با رویکردی محافظه‌کارانه جایگاه شورای صنفی را متزلزل نموده و در آخرین اقدام کانال شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی را مصادره و یکی از راه‌های رسمی ارتباطاتی شورا با دانشجویان را از ما سلب کرده‌اند. در شرایط کنونی و خلف وعده‌های مکرر و نگاهی سلطه‌جویانه دانشگاه به مطالبات به حق دانشجویان، شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی استعفا خود را اعلام نموده و مسیر دیگری را برای پیگیری مطالبات دانشجویان در پی خواهیم گرفت.

و من الله توفیق

مسئولان نگاه یکسان به تشکل‌های دانشجویی داشته باشند!

نمایندگان تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور روز یکشنبه در نشستی با سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «حمایت بیشتر و نگاه یکسان مسئولان آموزش عالی به همه تشکل‌های دانشجویی» را از جمله مهمترین درخواست خود از دکتر سیدضیاء هاشمی عنوان کردند. نمایندگان تشکل‌های دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور در دیدار با دکتر هاشمی، به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خود درباره فضای حاکم بر فعالیت‌های سیاسی، صنفی، فرهنگی، علمی و آموزشی دانشجویان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور پرداختند و «نیاز به سرمایه‌گذاری و حمایت بیشتر از انجمن‌های علمی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در دانشگاه‌ها» را خواستار شدند. ایجاد تعامل میان تشکل‌های دانشجویی و بنیاد ملی نخبگان، «ساماندهی و حمایت بیشتر از نشریات دانشجویی»، «حمایت بیشتر شورای فرهنگی دانشگاه‌ها از کانون‌های فرهنگی» و «ضرورت وجود فضای هم‌افزایی، همدلی و تعامل میان کانون‌های فرهنگی» از دیگر مطالبات نمایندگان تشکل‌های دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور از سرپرست وزارت علوم بود. نمایندگان تشکل‌های حاضر در نشست همچنین «قانون‌گریزی برخی از مسئولان و تصمیم‌گیران»، «عدم تخصیص بودجه مناسب و توزیع عادلانه آن در میان تشکل‌ها»، «انتقاد از خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها»، «عدم وجود سامانه‌ای برای ثبت اظهار نظر‌ها و استفاده از دیدگاه‌های فعالان دانشجویی» و «ضرورت تاسیس کانون‌های اجتماعی دانشجویی برای ارائه راه حل در حوزه آسیب‌های اجتماعی» و «افزایش حق‌الزحمه کار دانشجویی» از دیگر مطالبات مهم خود عنوان کردند. نشست نمایندگان تشکل‌های دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور با سرپرست وزارت علوم، با هدف طرح دیدگاه‌ها بیان مشکلات نیز و هم‌اندیشی درباره موضوعات و مسائل صنفی، دانشجویی، فرهنگی، علمی و آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برگزار شد.

صنفی‌فراجناحیست!

در طول این دو سال که مسئولیت سنگین نمایندگی دانشجویان بر دوشمان قرار داشت، یکی از مهمترین اصولی که خود را ملزم به رعایت آن می‌دانستیم، عدم ورود مسائل سیاسی به حوزه مسائل صنفی دانشجویان بود. این باور قلبی مان از آنجایی نشئت گرفت که شورای صنفی را چتری حمایتی برای همه دانشجویان می‌دانستیم. دانشجویانی با نظرات، دیدگاه‌ها و سلاقی متفاوت با یکدیگر و البته با حقوقی برابر در جامعه دانشگاهی. دانشجویانی که شاید در مورد مسائل روز سیاسی با هم اختلاف نظر داشته باشند، فرهنگ را از دریچه نگاه خود دنبال کنند و یا برای معضلات اجتماعی نظرات متفاوتی داشته باشند اما در یک مورد کاملاً یکسان هستند. دانشجوی بودن! قطعاً اگر غذای سلف بی کیفیت باشد، چه برای بسیجی و چه برای انجمنی و چه برای تشکل آرمان و جامعه و سفیر بی کیفیت است. اگر سطح کیفی آموزش افت کند، دودش به چشم همه می‌رود. اگر فساد باشد، همه ضرر می‌کنیم. در این شرایط، تنها نهادی که می‌تواند دانشجویان را برای احقاق حقوقشان متحد کند، شورای صنفی است. اگر شورای صنفی در مسائل سیاسی به نفع گروهی خاص جهت‌گیری کند، دیگر نمی‌تواند خود را نهادی بی‌طرف بداند. دیگر توان یک دل کردن دانشجویان را ندارد. دیگر چتر حمایتی برای همه نیست. البته این بدین معنا نیست که فعالین صنفی نباید نظری در مورد مسائل سیاسی داشته باشند. قطعاً هر فردی می‌تواند راجع به موضوعات روز جامعه نظرات خاص خود را داشته باشد، اما اصل موضوع این است که این فرد نباید نظرات سیاسی اش را در مسائل صنفی دخیل و شورای صنفی را تبدیل به بلندگوی جناحی خاص کند. بدون شک، استمرار فعالیت اصیل صنفی و نهادینه شدن آن در دانشگاه، علاوه بر بالا بردن سطح کیفی دوران تحصیل دانشجویان، آنان را برای همکاری و همیاری برای ساختن جامعه‌ای با افکار، عقاید و آراء مختلف آماده می‌کند.

برگرفته از شماره ۳۹ ام نشریه چوب خط شورای صنفی دانشگاه صنعتی اصفهان

بیانیه ۲۴ تشکل دانشجویی سراسر کشور در مورد نگرش تجاری به دانشگاه!

در بیانیه ضمن انتقاد نسبت به آنچه «نگرش تجاری به دانشگاه» خواندند، خواستار توجه رییس جمهوری... به مطالبات دانشگاهیان شده و ابراز امیدواری کردند حسن روحانی به انتخاب و معرفی گزینه مناسب برای تصدی وزارت علوم، حمایت از این وزارتخانه و تغییر روند منفعلانه و ناکارآمد چهار سال گذشته، زمینه اصلاح سیاست‌های نادرست و پیشرفت دانشگاه را فراهم کند. همچنین... توجه ویژه به نهاد دانشگاه از این‌رو که محل تجمع نخبگان کشور است بسیار حائز اهمیت است؛ نخبگانی که در آینده‌ای نه چندان دور سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را به دست می‌گیرند. اگر سیر بی‌توجهی به این وزارتخانه ادامه‌دار باشد قطعاً نه تنها دانشگاه، که آینده‌ی کشور با چالش‌های بسیار زیادی روبه‌رو خواهد شد. هنگامی که تعداد مراجع تصمیم‌گیرنده (یا بعضاً دخالت‌کننده) در امور دانشگاه بسیار است؛ از وزارت علوم، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی گرفته تا قوه قضاییه، وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی مختلف، تنها در صورتی استقلال دانشگاه حفظ می‌شود که وزیر علوم شجاع و کارداران سکان هدایت وزارت علوم را در دست گیرد و بتواند یک بار برای همیشه با تصحیح قوانین و آیین‌نامه‌های مبهم، اجرای درست آن‌ها و ایستادن در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و دخالت‌های نابه‌جا، هویت این نهاد تأثیرگذار را تثبیت کند و از تعداد متولیان ناخوانده‌ی آن بکاهد.

دستگیری فعالان قومی و مذهبی در ایران اولین نتیجه رفراندوم در کردستان عراق بود!

اگر چه نتیجه همه پرسی استقلال کردستان عراق با همه‌مه و شادی در مناطق کرد نشین ایران رابطه مستقیم نداشت اما با پیامدهای عینی و غیر قابل انکاری همراه بود. خصوصاً گسیل نیروهای نظامی سپاه و ارتش به این مناطق و تدارک مانورهای نظامی نشان از اتفاقاتی دارد که می‌تواند ناشی از ترس و خوف حاکمیت سیاسی در رابطه با امکان تغییر زمینه‌های ذهنی مطالبات مردم کرد نشین و تبدیل آن به وضعیتی کاملاً عینی و ملموس در ایران باشد! مردمی که دارای بافت قومی و اکثریت اهل سنت است و نزدیک به چهاردهه و با بدترین شرایط زندگی کرده و با انباشت مطالبات روبرو است. منطقه‌ای که ده‌ها سال اسیر نظامی‌گری بوده و از بحرانهای فزاینده اقتصادی که ناشی از سیاستهای حکومت مرکزی می‌باشد در رنج است. به نظر ما حمایت مردم مناطق کرد نشین کشور ما از همه پرسی کردستان عراق که با شادی و حضور آنان به خیابانها در شهرهای متعدد کردستان همراه بود واکنشی طبیعی از احساس دردی مشترک است. اما واکنش حاکمیت حتی به شادی مردم کرد نشین هم هزینه داشت! تنها ابزاری که توسط حاکمیت جهت حل مناقشات بومی و ملی استفاده می‌شود دستگیری و سرکوب و زندان است. در این رابطه دستگیری بیش از ۳۰ تن از فعالین اهل کرد در مناطق متعدد کرد نشین نمونه‌ای از صدها مورد می‌باشد که برای کنترل و سرکوب حرکت‌های قومی و مذهبی توسط بازوی نظامی- اطلاعاتی حاکمیت صورت پذیرفت. امری که با حضور و استقرار نیروهای اطلاعاتی و نظامی سپاه در این مناطق تداوم یافت تا بتواند ماشین جنگی خود را در این مناطق مستقر سازد.

پس از جشن‌های خیابانی مردم در شهرهای مختلف کردستان، نیروهای امنیتی اقدام به بازداشت ده‌ها شهروند کرد در مناطق مختلف کردند. شب دوشنبه سوم مهرماه، نیروهای امنیتی بیش از ۳۰ نفر را بازداشت کرده‌اند. عصر سه‌شنبه ۴ مهرماه، نیروهای امنیتی سقز به پارک مولوی این شهر یورش و اقدام به بازداشت چندین جوان کرده‌اند که لباس کردی بر تن داشته‌اند. هویت یکی از بازداشت شدگان بختیار خشنام اعلام شده است. بختیار خوشنام دانش‌آموخته علوم سیاسی دانشگاه زنجان می‌باشد که پیشتر نیز به اتهام همکاری و عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزسیون حکومت ایران بازداشت و از سوی دادگاه انقلاب این شهر به تحمل ۱ سال حبس محکوم شده بود. نیروهای امنیتی در شهر پیرانشهر نیز اقدام به بازداشت چند شهروند کرد از جمله شورش ابراهیمی، سوران حسین پور، بختیار معروفی، قادر آذربرزین، و سوران حسین پور کرده‌اند. نیروهای امنیتی در شهرهای سقز، بوکان، مهاباد، سنندج و مریوان اقدام به بازداشت فله‌ای شهروندان کرد به دلیل پوشیدن لباس کردی در اماکن عمومی کرده‌اند. همزمان با این دستگیریها، علیرضا رادفر معاون استاندار آذربایجان غربی و دبیر شورای تامین این استان هشدار داد که؛ نیروهای نظامی و انتظامی طبق قانون با هرگونه تجمع غیرقانونی برخورد و مقابله خواهند کرد. او گفته است که هیچ مجوزی برای تجمع در هیچ نقطه‌ای از این استان پس از مشخص شدن نتیجه همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق صادر نشده است!

البته دستگیرهای فعالین صنفی، مدنی و سیاسی محدود به مناطق کرد نشین نمی‌شود و شاهدیم که در اقصا نقاط کشور این وضع ادامه دارد و فشار بر فعالین اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی افزایش یافته است. خصوصاً بعد از انتخابات ریاست جمهوری اردیبهشت ماه ۹۶ هزینه حضور فعالین جنبش‌های اجتماعی حتی بیش از دوره دولت احمدی نژاد بیشتر شده است. در واقع سیاست تمامیت خواه جمهوری اسلامی باعث می‌گردد که در پس هر انتخاباتی فشار به جامعه و فعالین اجتماعی افزایش یابد. فراموش نکنیم که آنچه بعنوان تحولات کنونی در اقلیم کردستان عراق شاهد هستیم، با شدت و حدت متفاوتی در مناطق کرد نشین خصوصاً در ایران نیز شاهدیم. مطالباتی که مردم کرد نشین و دیگر استانهای قومی کشور برخوردارند، آنروی مطالباتی است که در اقلیم کردستان عراق وجود دارد! اگر پروسه حیات سیاسی منطقه کرد نشین عراق را بررسی کنیم، خواهیم دید که بعد از حمله آمریکا در زمان بوش دوم به خاورمیانه و عراق، اقلیم کردستان از موقعیت نسبتاً مستقلی برخوردار بود که در آن شرایط توانستند اهرمهای حکومتی خود را تا مرز تشکیل دولت ملی تحقق بخشند و از وابستگی به دولت مرکزی بی‌نیاز گردند و تنها بر سر دولت ملی بود که آنان ناچار بودند با دولت مرکزی عراق مسامحه کنند و وابسته به آن باشند. حتی نفت کرکوک بدون دخالت مستقیم دولت عراق به ترکیه فروخته می‌شد. اما مقایسه این شرایط و موارد فوق در رابطه با استقلال قومی در مناطق کرد نشین ایران بیشتر شبیه به رویا و آرزوی می‌باشد. زیرا مردم کردستان ایران هنوز در انتخاب استاندار، داشتن مراکز اقتصادی مرزی و نمایندگان مستقل از دولت مرکزی نتوانسته پروسه هم افزائی و تکمیلی داشته باشد! این منطقه بالاترین رشد بیکاری را تجربه می‌کند و هنوز مشکل کولیرها بعنوان بخش کوچکی از مشکلات اقتصادی منطقه کردستان حل نشده و تا همین هفته اخیر نیروی انتظامی به روی آنان آتش گشوده است. دستگیری فعالان کرد در حوزه‌های مدنی، صنفی و سیاسی با شدت و حدت بیشتری در جریان است. خشونت گرائی قومی و مذهبی نه تنها در استانهای مرزی که در کل جامعه ایرانی به عنوان تنها ابزار استراتژی سرکوب، مردم و شهروندان را نشانه رفته است. همانطور که گفتیم راهبرد استراتژی خشونت محور که بواسطه حاکمیت فقهی در طی چهاردهه به تمامی اندام جامعه ایرانی اعمال می‌گردد، برای مردم ایران و استانهای مرزی یک نتیجه عکس و مشخص داشته است که فعالین اجتماعی در نوک پیکان این واکنش اجتماعی قرار دارند؛ مبارزه همه گیر برای دستیابی به مطالبات همه جانبه در مقابل حاکمیت فقهی که بی تردید پرچم این مبارزات در دست اقوام و اقلیتهای مذهبی در ایران قرار دارد! یعنی به همان دلیل که اکثریت آرای صندوق‌های انتخاباتی به استانهای سیستان و بلوچستان یا کردستان ایران تعلق دارد، بی شک موج تحولات و مطالبه‌گری هم از این مناطق سرریز خواهد کرد.

موج دستگیری فعالان صنفی: گسترش اعتراضات و فرافکنی حکومت

احضار و بازداشت فعالان اجتماعی گسترش بی‌سابقه‌ای یافته است. علاوه بر آنان که با اتهامات امنیتی در زندان بسر می‌پرند، فعالانی که برخی از آنان بارها دستگیر شده‌اند، مجدداً تحت فشار قرار گرفته و بازداشت می‌شوند. ظاهراً مسئولان حکومت که در برابر موج اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان جز وعده و وعید پاسخی ندارند، قصد دارند با دستگیری فعالان اجتماعی از آنان انتقامجویی کنند.



سه‌شنبه ۴ مهر مظفر صالح‌نیا فعال کارگری در محل کارش در سنندج دستگیر شد. در همین روز دادستانی با ارسال ابلاغیه‌ای به وثیقه‌گذار جعفر عظیم زاده، این فعال کارگری را زیر فشار گذاشت تا طی ۱۰ روز خود را به دادستانی معرفی کند. رضا شهابی فعال کارگری دیگری که به همین شیوه بازداشت شده، در پنجاهمین روز از اعتصاب غذا برای ساعتی به بیمارستان منتقل شد. قوای جسمانی او چنان تحلیل رفته که قادر به تشخیص فرزند و همسرش نبود. مختار اسدی ۲۷ شهریور به همین روش در کردستان احضار و در دادرسی «شهادت

مقدس» تهران بازداشت شد. از محمود بهشتی لنگرودی که به همین شیوه بازداشت شده خبر تازه‌ای در دست نیست. اسماعیل عبدی ۵ مرداد بازداشت شد و هم اکنون در زندان بسر می‌برد. مظفر صالح‌نیا عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و جعفر عظیم‌زاده دبیر هیات مدیره این تشکل کارگری است. رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه است. اسماعیل عبدی و مختار اسدی هر دو فعال کانون صنفی معلمان هستند و محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی این تشکل است. به این‌ها باید علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت‌تپه را افزود که دادگاه انقلاب اندیشک ۲ شهریور حکم جلب او را صادر کرده است، و واله زمانی عضو سندیکای کارگران نقاش استان البرز که ۲۲ شهریور در تجمع حمایت از زندانیان اعتصابی گوهر دشت بازداشت شد.

دستگیری این فعالان هم‌زمان است با موج اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان با خواست پرداخت مزد و حقوق عقب‌افتاده، خواست امنیت شغلی و مستمری بالای خط فقر. پاسخ مسئولان جر وعده و وعید و البته تهدید، سرکوب و دستگیری نیست. گویا حکومت که قادر به برآوردن خواست‌های اقتشار معترض نیست، از طریق تشدید آزار کسانی که هم‌اکنون در بند هستند و بازداشت فعالانی که در بیرون زندان بسر می‌برند انتقامجویی می‌کند. انتقامجویی از فعالان اجتماعی با آزار اطرافیان آنان همراه است. دستگاه قضایی به شیوه ابداعی اعمال فشار بر وثیقه‌گذاران اقوام، دوستان یا آشنایان این فعالان را هم در مجازات سهیم می‌کند. وثیقه‌گذاران فعالان اجتماعی نه مدیرانی با حقوق‌های چند ده میلیونی هستند، نه تاجران با سودهای چند میلیاردی، و نه رشومخواران و سو استفاده‌کنندگان از اموال عمومی. وثیقه‌گذاران همانند خود این فعالان یا کارگرند یا معلم و یا از اقشار مشابه.

فعالانی که در موج جدید بازداشت‌ها دستگیر شده‌اند، به اتهامات امنیتی متهم‌اند. از جمله رضا شهابی که یک ماه پس از دستگیری مجدد و اعتصاب غذای او، عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران در واکنش به اعتراضات از «جرایم امنیتی» رضا شهابی سخن گفت. برگه احضاریه‌ای که روز ۴ مهر خطاب به ته‌مین خسروی و وثیقه‌گذار جعفر عظیم‌زاده صادر شده، امضای «مدیر دفتر دایره نظارت بر متهمان و محکومان امنیتی و اقتصادی دادرسی تهران» را دارد. دستگیر شدگان به جمع فعالان اجتماعی افزوده می‌شوند که از مدت‌ها قبل در زندان بسر می‌برند. اما شرایطی که حکومت برای تغییر آن به نفع خود، به اعمال فشار بر فعالان اجتماعی روی آورده، به جای خود باقی است. اعتراض به گرسنگی، بیکاری و بی‌حقوقی نه تنها فروکش نکرده، که گسترش یافته است. کارگران هپکو و آذربایک مشت نمونه خروارند. کارگران این دو کارخانه روز ۱۸ شهریور که مسیر راه‌آهن و جاده ورودی اراک را بستند با آرایش نظامی نیروهای ضدشورش و شلیک هوایی پاسخی گرفتند. اما اعتصاب آنان باز ادامه یافت. زیرا طی ماه‌های گذشته همه اشکال بیان خواست‌ها و اعتراضات را آزموده و همه راه‌ها را رفته و جز وعده پاسخی نگرفته بودند. اُلب مساله را آن کارگر کارخانه هپکو در اعتراض خیابانی پس از ۱۸ شهریور چنین بیان کرد: «من نان ندارم بخورم، من خرجی زن و بچم رو نمیتونم بدم! ما تا حالا چند کیلومتر راه رفتیم؟ چقدر اومدیم تو خیابون و رفتیم؟»

در انتصابات به خواسته ترکمنها توجه شود!

قسمتی از مصاحبه حاج رحمت پران دوجی فعال سیاسی ترکمن و رئیس ستاد روحانی در شهرستان مراوه تپه در رابطه با نقش ترکمنها در مناصب دولتی: ترکمنها در استان گلستان در انتخابات بیشترین حمایت را از روحانی داشتند... بنابراین خواسته ها و انتظارات بحق دارند که یکی از مهمترین این خواسته ها انتصاب یکی از شایسته‌ترین ترکمن صحرای استان گلستان است... بیش از ۷۰ اداره کل در استان فعالیت می‌کند که متأسفانه فقط یک نفر از مدیران کل ادارات از ترکمنها هستند که آن هم زیر نظر جهاد کشاورزی است... شایسته‌ترین ترکمن به بهانه های واهی از خدمت به مردم و احراز پست ها محروم نشوند. در مناصب مختلف از نخبگان و فعالین و مدیران این قوم استفاده مطلوب شود مردم ترکمن احساس تحقیر نکنند و وحدت و همگرایی و همدلی در جامعه بیش از پیش بیشتر شود. از احزاب و تشکل های احزاب انتظار داریم که از حقوق ما دفاع کنند ولی وقتی می بینیم که در شورای مرکزی احزاب ترکمنها کمترین حضور را دارند برنامه های آنها را در حد شعار می دانیم. اگر احزاب استانی شورای مرکزی را بازنگری نکنند تقاضای خروج فعالین ترکمن را از این احزاب خواهیم داد.



مولوی عبدالحمید:
به جز تهران آن هم
بخاطر برگزاری کنفرانس
های وحدت و تقرب
مذاهب اجازه حضور در
هیچ یک از شهرهای کشور حتی مناطق سنی
نشین را ندارم!!!

بازداشت دو شهروند در شهرستان سروآباد

نیروهای وزارت اطلاعات با مراجعه به روستای سلین از توابع بخش اورامان شهرستان سروآباد در استان کردستان حداقل دو تن از اهالی این روستا را بازداشت کردند. حمید ادوای و محمد ادوای هویت بازداشت شدگان مذکور است که توسط نیروهای امنیتی به بازداشتگاه اداره اطلاعات مریوان منتقل شده اند.

دستگیری شیخ ابوالحسن علی بن حیدر البترانی توسط اطلاعات سپاه

نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران ولایت فقیه ساعت ۱۲ و نیم شب پنجشنبه به منزل جناب شیخ ابوالحسن علی بن حیدر البترانی (خنفری) یورش بردن و بس از بازرسی منزل ایشان و بردن کتابها و سائر وسائل درسی، ایشان را به مکان نا معلوم برده و تا کنون هیچ اطلاعی از ایشان در دسترس نمی باشد، آنچه از جناب شیخ علی بترانی میان مردم معروف است طلب علم شرعی و قوت فهم و إدراك بالا و میانه روی و اعتدال در منهج و دین می باشد، این بار دوم است که ایشان بازداشت می شود.



موج بازداشت شهروندان کرد توسط نیروهای امنیتی پس از جشن های خیابانی

براساس گزارش های رسیده، پس از جشن های خیابانی مردم کردستان نسبت به موفقیت همهپرسی برای استقلال حکومت اقلیم کردستان عراق، نیروهای امنیتی اقدام به بازداشت دهها شهروند کرد در مناطق مختلف کردند. در همین زمینه، سازمان حقوق بشری «همنگاو»، می گوید شب دوشنبه سوم مهرماه، نیروهای امنیتی بیش از ۳۰ نفر را بازداشت کرده اند که هویت ۳ تن از آنها احراز شده است. روناک آقایی و دخترش سروه موسازاده و برادرش کاپوس آقایی از بازداشت شدهگان می باشند. این سازمان همچنین می گوید، عصر سهشنبه ۴ مهر ماه، نیروهای امنیتی سقز به پارک مولوی این شهر یورش و اقدام به بازداشت چندین جوان کرده اند که لباس کردی بر تن داشته اند. هویت یکی از بازداشت شدگان بختیار «خشنام» اعلام شده است. بختیار خوشنام دانش آموخته علوم سیاسی دانشگاه زنجان می باشد که پیشتر نیز به اتهام همکاری و عضویت در یکی از احزاب کورد اپوزسیون حکومت ایران بازداشت و از سوی دادگاه انقلاب این شهر به تحمل ۱ سال حبس محکوم شده بود.

نیروهای امنیتی در شهر پیرانشهر نیز اقدام به بازداشت چند شهروند کرد از جمله شورش ابراهیمی، سوران حسین پور، بختیار معروفی، قادر آذربرزین، و سوران حسین پورکرده اند. از دیگر سو، براساس گزارشهایی نیروهای امنیتی در شهرهای سقز، بوکان، مهاباد، سنندج و مریوان اقدام به بازداشت فلهای شهروندان کرد به دلیل پوشیدن لباس کردی در اماکن عمومی کرده اند. همزمان با این گزارش، علیرضا رادفر معاون استاندار آذربایجان غربی و دبیر شورای تامین این استان هشدار داد که «نیروهای نظامی و انتظامی طبق قانون با هرگونه تجمع غیرقانونی برخورد و مقابله خواهند کرد. او گفته است که هیچ مجوزی برای تجمع در هیچ نقطه ای از این استان پس از مشخص شدن نتیجه همهپرسی اقلیم کردستان عراق صادر نشده است. همزمان گزارش شده از روز دوشنبه سوم مهرماه، سپاه پاسداران ایران سلاح های سنگین نظامی را در شهرهای مختلف کردنشین از جمله سنندج، مریوان و اشنویه مستقر کرده است. فعالان این اقدامات سپاه پاسداران را در راستای هرچه بیشتر امنیتی کردن فضای کردستان می دانند.

چرا سیاسیون کرد فعال هستند و ما نه؟ نگاهی به پیگیری مطالبات مدنی سیاسیون کرد و بلوچ

... پس از مشخص شدن نتیجه انتخابات فعالین سیاسی کرد و در راس آنان دکتر جلال جلالی زاده رییس ستاد روحانی مطالبه حقوق مردم کردستان را از دولت داشته است. آنان از حق مردم اهل سنت کرد در داشتن سهم بیشتر از مناصب دولتی، امکانات بیشتر برای توسعه استان، حل مشکل کولبران و محرومیت زدایی از استانشان سخن می گویند... اگر هم لازم باشد همه پرسه استقلال کردستان عراق را به رخ مسوولان کشوری کشند تا بگویند بی توجهی به کردها در دولت همسایه چه تبعاتی بهمراه داشته است. آنها از دولت استاندار و سفیر و معاون وزیر اهل سنت و کرد می خواهند. چیزی که حقتشان است.

اما در استان ما این شور و حال مشاهده نمی شود. با اینکه رای اول را داده ایم و کمترین مناصب را در دولت داریم نه از مصاحبه ها و پیگیری های روسای ستاد روحانی در استان و شهرستانها خبری هست، نه در قالب احزاب و تشکل های سیاسی پیگیری مطالباتمان هستیم. نه انتظار داریم یک بلوچ اهل سنت استاندار یا سفیر یا رییس سازمانی در پایتخت شود. نمیدانم شاید از فرط بی توجهی، اعتماد به نفسمان را از دست داده ایم. مناصب بزرگ را در حد خود نمی دانیم. یا میدانیم که نمی دهند و مطالبه نمی کنیم یا همان مناصب کوچک را نداده اند که خواهان سهم بیشتری نباشیم! شاید عیب از خودمان است. بیش از اندازه محافظه کار هستیم. در سایه نشسته و منتظریم پستی، مدیریتی، چیزی به ما پیشنهاد بشود و اگر حرفی از حقوق مردم، عقب ماندگیها و محرومیتها بزنیم آن پست را به ما ندهند یا در تایید صلاحیتمان مشکل پیدا کنیم! همه چیز را سپرده ایم به یک نهاد مذهبی و اگر آن نهاد نتوانست کاری بکند غر بزنیم و این و آن را مقصر جلوه دهیم. روی سخن بیشتر با فعالین سیاسی و تحصیلکردگان بلوچ است. عزیزان، حق گرفتاری است و هر گرفتاری مطالبه ای می خواهد... مطالبه اعتبارات چند صد میلیاردی برای دوبانده شدن جاده هایمان بکنیم تا چند خانواده مان یکجا در تصادفات جاده های باریک و غیر استاندارد کشته و سوخته نشوند. مطالبه احداث کارخانجات بزرگ صنعتی، خودرو سازی، مجتمع های کشت و صنعت، اکتشاف و فرآوری معادن، کارخانجات فرآوری و بسته بندی خرما، منطقه آزاد "سیستان" و دیگر طرح های تولیدی و اشتغالزای از دولت بکنیم. برای داشتن سهم بیشتر در حاکمیت، پستها و مسوولیتهای بزرگ بخواهیم... در روزگاری که دولت مرکزی هیچ اعمال حاکمیتی بر منطقه نداشته از این آب و خاک محافظت کرده است. حمل ها، جما خان ها و خلیل خان ها را فدای ایران کرده است و حق دارد چون دیگر ایرانیها در وطنش سر بلند و با شرافت زندگی کند. از راه بدوی و گازوییل کشتی و خلاف نان خورد و تا یک درجه دار پلیس ببیند از ترس پا به فرار نگذارد و خود و دیگران را به کشتن نهد. دوستان باور کنید هیچ کس را برای مطالبه مدنی حقوق و خواسته هایش مواخذه نمی کنند. صدایمان را کمی بلند تر کنیم. ما فقط یکبار به دنیا می آییم و یکبار می میریم چه شب را به صبح برسانیم و کاری به امور مسلمین نداشته باشیم! ... در حد توانمان برای مطالبه حقوق مردم و محرومین صدایمان را بلند کنیم و قلم بدست بگیریم. و بدانیم که "ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. دکتر امان الله تمنده رو دبیر اجرایی هیات نظارت بر انتخابات شورای اسلامی استان سیستان و بلوچستان

کشته و زخمی شدن سه کولبر و تاجر مرزی در مناطق مرزی در یک هفته

نیروهای انتظامی مستقر در پاسگاهی در نزدیکی روستای «قشلاق پل» از توابع سقر خودروی یک تاجر مرزی به نام «دانا عراقی» را هدف تیراندازی قرار دادند. خودروی این تاجر مرزی (کاسبکار) سقری در پی تعقیب و گریز نیروهای مذکور، واژگون شده و وی جان خود را از دست داده است. نیروهای هنگ مرزی در پاسگاه بیتوش سردشت به سوی گروهی از کولبران آتش گشودند که منجر به زخمی شدن یک کولبر به نام «خضر اسپندار» فرزند احمد از اهالی روستای فقی سلیمان شد. وی اکنون در یکی از مراکز درمانی مهاباد تحت مراقبت پزشکی می باشد. نیروهای مرزبانی پاوه در محلی به نام «قلعه گاک» بر روی جمعی از کولبران آتش گشودند که منجر به زخمی شدن یک کولبر به نام «فرزاد قادری» از اهالی روستای «نیسانه» ی نوسود گردید. وی در کرمانشاه تحت عمل جراحی قرار میگیرد و پزشکان، احتمال میدهند یکی از پاهایش را از دست دهد. گفته شده است که در هر سه مورد، نیروهای انتظامی به ظن حمل کالای قاچاق این افراد را مورد هجوم قرار داده اند.

بازداشت دو شهروند در اهواز و شوش

علی خنفری (بترانی)، توسط نیروهای اداره اطلاعات اهواز در منزل خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. عناصر اداره اطلاعات با ورود شبانه به منزل علی خنفری باعث ایجاد رعب و وحشت بین افراد خانواده او شده اند و بعد از بازرسی منزل تعدادی کتاب و تلفن همراه و وسائل شخصی او را با خود بردند. از دلایل بازداشت علی اطلاع در دست نیست با اینحال چون علی خنفری بیشتر بدلیل فعالیت های مذهبی اهل سنت بازداشت شده بود محتمل است این دستگیری هم در همان رابطه باشد. همزمان از شهر شوش خیر میرسد حسن صلاح فرزند سخی در هفته گذشته طی یک تماس تلفنی از طرف وزارت اطلاعات شهر شوش احضار و همان روز بازداشت شده است. وی به تبلیغ دینی مبادرت می کرده ولی گرایش یا فعالیت سیاسی نداشته است.

لیلامیرغفاری فعال مدنی و حقوق زنان توسط نیروهای امنیتی بازداشت نند

هنوز معلوم نیست که کدام نهاد امنیتی بازداشت‌کننده میرغفاری است و اتهام او چیست. پیش از این، لیلا میرغفاری، که به شجاعت در کلام معروف است آبان ماه سال ۹۴ در جریان یک تجمع اعتراضی در مقابل زندان اوین به همراه چند نفر دیگر بازداشت و پس از انتقال به زندان‌های اوین و قرچک و رامین در آذرماه همان سال با سپردن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. او سپس چند روز پس از آزادی جهت بازجویی در مورد فعالیت‌های خود، به اداره اطلاعات احضار شده بود. میرغفاری و ۱۷ نفر دیگر از فعالان مدنی و اجتماعی طی دادخواستی به اتهام اخلال در نظم عمومی به ۹۱ روز حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بودند. لیلا میرغفاری یک بار نیز در آذرماه سال ۹۵ به دلیل شرکت در مراسم سالگرد ریحانه جباری در بهشت‌زها احضار و بازجویی شده بود. ریحانه جباری دختر جوانی بود که در سن ۱۹ سالگی به جرم قتل یک مرد ۴۷ ساله، بازداشت و محاکمه و سپس در آبان‌ماه ۱۳۹۳ اعدام شد. ریحانه جباری اتهام قتل غیر عمد را پذیرفته و دلیل آن را دفاع از خود در برابر تجاوز جنسی اعلام کرده بود. در آخرین پرونده لیلا میرغفاری روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۶ بازداشت شده است. ظاهراً وی در رابطه با انتشار فیلمی انتقادی از انتشار بنرهای شهید حججی در سطح شهر طهران بازداشت شده است.



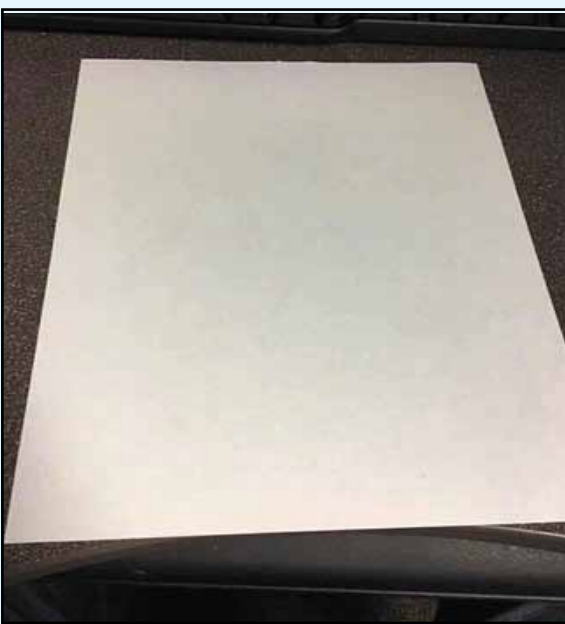
تنه‌ایم نگذارید!!!

استمداد مادر سهیل عربی از مردم برای نجات جان فرزندش: دوشنبه برای داد خواهی به مجلس میروم

من فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی با قلبی که دیگر امیدی برای زنده ماندن و تپیدن ندارد دست یاری و کمک به سوی شما دراز می‌کنم که صدای دادخواهی پسر بی‌گناه من از پشت میله‌های زندان باشید. عزیزانم برادر شما ۴ سال است به ناحق در زندان است تنها جرم سهیل ابراز عقیده‌اش در صفحه شخصی خود و نه هیچ رسانه دیگری است. ما مرتب از رادیوها و تلویزیون‌های ایران می‌شنویم که ملت آزادی هستیم و می‌توانیم عقیده خود را ابراز کنیم اما پسر من ۴ سال است به جرم چند جمله ساده «توجه کنید چند جمله ساده نه توهین و فحاشی» در زندان است. چهار سال است تنها پسر من به هیچ جرمی محاکمه می‌شود شکنجه‌اش می‌کنند حکم اعدامش می‌دهند و خانواده‌اش را از این آزارها مستثنی نمی‌کنند. سهیل نه از دیوار کسی بالا رفته، نه مال کسی را به ناحق گرفته نه به زن و فرزند کسی چشم ناپاک داشته نه فساد و جنایتی مرتکب شده... از همه شما عاجزانه تقاضا دارم صدای مظلومیت پسر بی‌گناه من باشید که در یک قدمی مرگ است. من با سه بار سخته و قلبی که یک بار جراحی شده، دیگر امیدی به زنده ماندن ندارم و تنها آرزوی من در این دنیا این است که پیش از مرگ یک بار دیگر فرزندم را به آغوش بکشم و او را در کنار خانواده‌اش در کنار همسر و دخترش ببینم. دستم به جایی بند نیست و تنها راهی که می‌شناسم این است که روز دوشنبه ۱۰ مهر ساعت ۱۰ صبح برای داد خواهی به مجلس مراجعه کنم. تنها تقاضای من از شما مردم غیور ایران به عنوان مادری که همه چیزش را از دست داده این است که سهیل من را تنها نگذارید.

آفرین چیت‌ساز اعتصاب غذایی را شکست

آفرین چیت‌ساز با قول مساعد دادیار ویژه زندان اوین و پی‌گیری رییس زندان اوین، اعتصاب غذایی را شکست. آفرین چیت‌ساز در اعتراض به ممانعت از آزادی‌اش در تاریخ مقرر و اعلام شده از سوی قوه قضاییه، پس از پی‌گیری‌های وکلا و خانواده و عدم پاسخگویی قوه قضاییه از ۱۲/۶/۹۶ دست به اعتصاب غذای تر زده بود. آفرین چیت‌ساز که بر اثر اعتصاب غذا دچار ناراحتی چشم شده بود، در مراجعه به بهداری زندان اوین به دلیل درد پا، از طریق پزشکان متوجه شده است که دچار تورم در ناحیه‌ای از پا شده که چند ماه پیش و در پی وضعیت سختش در بند ۲-الف مورد عمل جراحی قرار گرفته است. بر اساس رأی صادره تاریخ آزادی خانم چیت‌ساز ۳۰/۷/۹۶ ابلاغ شده بود که دفتر دادستانی با اعلام این نظر که مدت زمان بستری شدن او در بیمارستان که به دستور کمیسیون پزشکی و مجوز دادستانی و با حضور مأموران زندان انجام شده است، می‌بایست مجدداً منظور و به حبس او اضافه شود. او ابتدا در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ۱۰ سال و سپس در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر به ۲ سال زندان محکوم شد.



لیستی از آزادی‌هایی که زنان در جمهوری اسلامی ایران دارند!!!

معلمان زندانی؛ فهرست طولانی و ادامه دار

این هفته و هم زمان با روزهای آغازین مهر، معلمانی که به جرم فعالیت صنفی در زندان به سر می‌برند، از حضور در کلاس‌های درس بازماندند و برخی دیگر هم به جمع آن‌ها پیوستند.

دو روز پیش سایت‌های خبری نوشتند دو معلم به نام‌های «مولود خوانچه زرد» و «سلمان امام زنبیلی» توسط اداره اطلاعات شهرستان بوکان بازداشت شدند. این دو معلم پیش از این هم به اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام» و «مشارکت در برپایی تحصن معلمان» بازداشت شده بودند. با توجه به بازداشت این دو معلم و آمار معلمان زندانی، به نظر می‌رسد هفته نخستین سال تحصیلی امسال، هفته چندان خوشایندی برای فعالان صنفی معلمان نبوده است؛ چنان‌که با تأیید پنج سال حبس تعزیری دیگر برای «محمود بهشتی لنگرودی»، مجموع سال‌های حبس این معلم نیز به ۱۴ سال افزایش یافته است. ابوذر بهشتی در مورد حکم محکومیت جدید پدرش می‌گوید: «این حکم پنج ساله تا به حال تأیید نشده بود و در وضعیت اعتراض قرار داشت ولی با تأیید آن و با محاسبه چهارسال حبس تعلیقی پدرم، مجموعه احکام زندان ایشان به ۱۴ سال می‌رسد.

او می‌گوید پدرش از سال ۷۸ فعالیت‌های صنفی خود را شروع کرده و از همان آغاز فعالیت، تحت فشارهای مختلفی از جانب حراست وزارت آموزش و پرورش و وزارت اطلاعات بوده است. نخستین دستگیری محمود بهشتی لنگرودی در سال ۱۳۸۳ اتفاق افتاد. او یک ماه تحت بازجویی بود و در سلول انفرادی نگه‌داری می‌شد. ۲۳ اسفندماه سال ۱۳۸۵ هم در جریان تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی، دوباره بازداشت شد و حدود یک ماه در انفرادی زندان اوین نگه‌داری می‌شد. سرانجام قاضی «صلواتی» او را به چهار سال حبس تعلیقی محکوم کرد. سومین بار هم سال ۸۹ بود که در منزل و در اعتراض به شرایط «رسول بداغی» در زندان دست به اعتصاب غذا زد که او را بازداشت کردند. این بار نیز به مدت دو ماه در زندان و انفرادی به سر برد و این دستگیری منجر به صدور پنج سال حبس تعزیری توسط قاضی صلواتی شد.

ابوذر بهشتی می‌گوید هر سه مورد دستگیری اولیه پدرش توسط وزارت اطلاعات انجام شده است اما سال ۱۳۹۴ از طرف قرارگاه «ثارالله» سپاه راهی حبس می‌شود: «پدرم زیر بار چنین احکامی نرفته است و از رویه اعتراض خود کوتاه نمی‌آید. او خواهان اجرای قانون و توقف اجرای حکم تا برگزاری یک دادگاه علنی و عادلانه با حضور هیات منصفه طبق اصل ۱۶۸ «قانونی اساسی» است؛ اصلی که می‌گوید به پرونده متهمین سیاسی باید در دادگاه علنی و با حضور هیات منصفه رسیدگی شود. آن‌ها باید بر اساس اصل تفکیک زندانیان، در زندان نگه‌داری شده و اجباری برای پوشیدن لباس زندان نداشته باشند. پدرم بارها حتی به قیمت این که با خانواده اش ملاقات نکند، از پوشیدن لباس زندان امتناع کرده و بر سر مواضع خود ایستادگی کرده است. اما محمود بهشتی لنگرودی تنها معلم زندانی نیست؛ «محسن عمرانی» یک معلم زندانی در زندان بوشهر است. او معلم کلاس پنجم ابتدایی با ۲۵ سال سابقه تدریس است. اتهام عمرانی، مشابه اتهام سایر معلم‌ها است؛ «فعالیت تبلیغی علیه نظام». به همین اتهام هم به یک سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت از تدریس محکوم شده است.

محسن عمرانی در متن نامه‌ای که چند روز پیش به مناسبت روز اول مهر از زندان نوشته و متن آن توسط خبرگزاری «هرانا» منتشر شده، درخواست کرده است که سایر همکارانش، به ویژه فعالان صنفی با شاخه گلی در کلاس‌های درس، یاد همکاران در بند خود را گرامی بدارند: «معلمان در بند دغدغه‌ای جز ساختن فردایی بهتر برای کودکان این سرزمین و ارتقای منزلت و جایگاه همکاران خود نداشته و ندارند و دل‌تنگ مدرسه و کلاس درس هستند. مختار اسدی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، یک معلم در بند دیگر است. او ۱۰ روز پیش برای پی‌گیری وضعیت وثیقه مربوط به پرونده سابقش به دادگاه انقلاب تهران مراجعه کرده بود که دوباره بازداشت شد. این معلم از سال ۸۹ بارها به علت فعالیت صنفی بازداشت شده و حکم یک سال حبس تعزیری توسط قاضی صلواتی را در کارنامه اش دارد. علی اکبر باغانی معلم دیگری است که هم اکنون در حال گذراندن دوره ۱۰ ساله تبعیدش در شهر زابل است. او معلم الهیات، از رزمندگان دوران جنگ ایران و عراق و از اعضای ارشد کانون صنفی معلمان است. باغانی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» توسط قاضی «پیرعباسی» به یک سال حبس و ۱۰ سال تبعید محکوم شده است. اسماعیل عبدی از اعضای ارشد کانون صنفی معلمان، دبیر ریاضی شهر اسلامشهر و مربی درجه دو فدراسیون بین‌المللی شطرنج است. او از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را با کانون صنفی معلمان ایران آغاز کرد و از همان روزهای آغازین فعالیت، بارها در تجمعات صنفی معلمان بازداشت و زندانی شد. عبدی که در انتخابات مجمع عمومی کانون صنفی معلمان با بالاترین رای به عنوان دبیر کانون معلمان برگزیده شده، بارها در اعتراض به امنیتی کردن پرونده‌های صنفی معلمان زندانی، دست به اعتصاب غذاهای طولانی مدت زده و هم اکنون در زندان «اوین» به سر می‌برد. رسول بداغی با ۳۰ سال سابقه حرفه‌ای در آموزش و پرورش منطقه اسلامشهر و عضویت در هیات مدیره کانون صنفی معلمان، یکی از کسانی است که به جرم فعالیت صنفی، چندسالی را در زندان به سر برد. بداغی بعد از جریان انتخابات سال ۸۸، هم بازداشت و به زندان منتقل و هم از آموزش و پرورش اخراج شده است و حقوقش را نیز قطع کرده اند. بداغی به اتهام «تنبانی و تجمع به قصد برهم زدن امنیت ملی» توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به شش

سال حبس تعزیری و پنج سال محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شد. او نیز در اعتراض به سیاسی کردن پرونده فعالیت های صنفی خود بارها دست به اعتصاب غذا زد و سرانجام بعد از یک دوره طولانی مدت حبس، در اردیبهشت ماه سال گذشته آزاد شد. علی پور سلیمان، دبیر منطقه ۹ تهران و نویسنده وبلاگ «سخن معلم» هم چند سالی را به علت فعالیت های صنفی در زندان گذرانده است. او که مسئول تشکیلات و برنامه ریزی سازمان معلمان ایران بود، هنگام بازداشت، با ضرب و شتم به بازداشتگاه منتقل و شدت جراحات وارده باعث شد بلافاصله بعد از بازداشت، به بیمارستان «خاتم الانبیا» منتقل شود. سید محمود باقری، معلم بازنشسته فیزیک و از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان، هم چون علی اکبر باغانی، از رزمندگان دوران جنگ بوده است و نزدیک به ۳۰ سال سابقه تدریس دارد. باقری هم به جرم فعالیت های صنفی و با اتهام رسمی «تبلیغ علیه نظام و تجمع به قصد بر هم زدن امنیت کشور»، بارها طعم بازجویی و انفرادی های طولانی مدت را چشیده است. در نهایت او را به شش سال حبس تعزیری و سه سال و شش ماه حبس تعلیقی محکوم کردند که سال گذشته مشمول عفو شد و حبس او به چهار سال و هشت ماه کاهش پیدا کرد. باقری با اتمام محکومیتش، از زندان آزاد شد. بهلولی از فعالان صنفی مستقل و «محمدرضا نیک نژاد»، از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان هم جزو فهرست معلمان هستند که تجربه زندان داشته اند؛ فهرستی که قرار نیست به این گزارش خلاصه شود؛ هم چنان که قرار نیست به این زودی و آسانی تمام شود.

آیا می ترسیم که حقوق شهروندی را آموزش دهیم؟

چرا به کودکان مان نحوه و چگونگی نقد کردن صحیح را نمی آموزیم؟

واقعیت جوامع جهان سوم این است که نمی توانند به راحتی حقوق شهروندی را به دیگران آموزش دهند؛ زیرا که این آموزش ها باعث می شوند دیگران نسبت به فرد آموزش دهنده و یا مدیران آن جامعه مطالبه گر و آگاه باشند و حقوق خود را نسبت به مدیران آن جامعه و همچنین نسبت به معلمان و آموزش دهندگان خود طلب نمایند. یک دانش آموز اگر از حق و حقوق خود آگاه باشد قطعاً در چنین مدارسی حاضر به تحصیل نبوده و در چنین کلاس هایی حضور نمی یابد. حتی نحوه آموزش و نوع روش تدریس برخی معلمان را نیز اصلاً قبول نداشته و محتوای این کتب درسی را که خارج از آن چیزی است که در جامعه می تواند پارایگر وی برای ادامه یک زندگی معمولی باشد برای آموزش خود لازم ندیده، و قطعاً به آن اعتراض می نماید. بدین ترتیب از یک سوی؛ دانش آموز مطالبه گر و آگاه به حق و حقوق خود در مدرسه و جامعه خواهیم داشت، و از سوی دیگری سیستم بخشنامه ای خشک، کرخت و ناتوان که هم به لحاظ نیروی انسانی، و هم به لحاظ منابع و محتوا دارای نقایص بسیاری بوده و قادر به ارضاء نیازهای دانش آموزان و جامعه نمی باشد و بدتر از آن این دانش آموزان در آینده بزرگ شده و در جامعه همچنان به مطالبه گری و نقد مسائل موجود و موارد اشتباه مدیران می پردازند. این خود، هم برای معلم و آموزش دهنده، و هم برای مدیران آن جامعه مضر بوده و مدیران دیگر نمی توانند به راحتی آزمایش و خطا انجام داده و جامعه را به این سبکی که اکنون اداره می کنند، اداره کنند.... با آموزش حقوق شهروندی به جامعه، یقیناً کارفرمایان دیگر نمی توانند از کارگران بیگاری بکشند، مدیران نمی توانند نظرات و تصمیمات نادرست خود را به زیر دستان شان تحمیل نمایند، فرادستان نمی توانند هر فرد ناکارآمد و غیر متخصصی را در هر پستی منتصب کنند، معلمان نمی توانند رفتارهای غلط خود را در کلاس اجرا کنند، قضات نمی توانند همه را به چشم مجرم بنگرند، مأمورین نمی توانند دزد و مال باخته را به یک چوب برانند، پلیس راهنمایی و رانندگی نمی تواند بیش از مقدار مورد نظر جریمه کند، کارمندان ادارات نمی توانند همانند رعایا با ارباب رجوعانشان برخورد کنند، و قس علیهذا... لذا آموختن حقوق شهروندی به جامعه بیشتر از آنکه برای وضع کنندگان این حق و حقوق مفید باشد؛ زیان آور است و جامعه ما نیز از صدر تا ذیل خود بدین نوع ارباب و رعیت بازی و فرادست و فرودست بودن عادت کرده، و به قول معروف «ترک عادت موجب مرض است».

پدری که تا فرزندش در مقابل رفتار غلط پدر اعتراض می کند یک کشیده در گوشش می خواباند و به فرزندش یاد نداده است که چگونه و در چه زمان اعتراض نماید؛ معلمی که دانش آموزان خود را حرف گوش کن، مطیع، شنونده و صرفاً پیش برنده اهداف غلط آموزشی حاکم بر جامعه بار می آورد، کتاب هایی که به جای آموزش

مهارت های زندگی، صرفاً یک مشت حفظیات بی کاربرد به خورد افکار کودکان می دهند، و فرادستانی که جامعه را صرفاً ابزاری برای پیشبرد منافع خود می دانند؛ نمی توانند آموزش دهندگان مناسبی برای حقوق شهروندی باشند. شهروندهای آگاه برای گرداندگان ناآگاه جامعه نهایت زیان را دارند. یعنی گرداندگان توانا و پویایی را برای جامعه می طلبند. مع الوصف چنین شهروندانی نمی بایست تولید شوند؛ تا آینده شغلی خیلی از همین مدیران کنونی به خطر نیافتد و بساط خیلی از همین منفعت طلبانی که ادعای خدمت به خلق را دارند برچیده نشود...

مهدی فتحی دبیر ریاضی ناحیه یک سنندج



آموزش حقوق شهروندی در مدارس

گزارشی از اعتصاب غذای ۷ زندانی در کرج، ارومیه، تهران و زابل



انور خضری، خسرو بشارت و کامران شیخه در زندان ارومیه، محمد نظری و حمزه درویش در زندان رجایی شهر کرج، سهیل عربی در زندان اوین و ارژنگ داودی در زندان زابل با طول مدت متفاوتی به اعتصاب غذای اعتراضی خود ادامه می دهند. هفت زندانی سیاسی در زندانهای مختلف با دلایل مختلفی در اعتصاب غذا به سر می برند. انور خضری، خسرو

بشارت و کامران شیخه سه زندانی سنی مذهب در زندان ارومیه از روز ۲۹ شهریورماه در اعتراض به عدم اجرای اصل تفکیک جرایم و نگهداری آنان در بند "روان درمانی زندان ارومیه دست به اعتصاب غذا زده اند. این سه زندانی مدت چند روز را در سلول انفرادی به سر بردند با اینحال از روز گذشته مجدداً به همان بند روان درمانی منتقل شدند و کماکان به اعتصاب خود ادامه می دهند. این سه زندانی برای برگزاری دادگاه از زندان رجایی شهر کرج به زندان ارومیه منتقل شده اند.



محمد نظری، دیگر زندانی سیاسی است که در زندان رجایی شهر کرج علیرغم بیماری از ۸ مردادماه با مشارکت در اعتصاب جمعی زندانیان سیاسی این زندان اعتراض خود را آغاز کرده ولی علیرغم پایان یافتن اعتصاب جمعی کماکان به اعتصاب خود بصورت فردی ادامه می دهد. او که در بیست و چهارمین

سال حبس خود به سر می برد و وضعیت سلامتی نامناسبی دارد خواستار اعمال ماده ۱۳۴ (تجمیع احکام) در پرونده خود است که منجر به رهایی او از زندان می شود. محمد نظری، زندانی سیاسی زندان رجایی شهر که از بیماری قلبی و آرتروز گردن رنج می برد هفته گذشته برای مدت چند روز به سلول انفرادی منتقل شد و از زمان بازگشت مصرف هر گونه مواد کمکی مانند قند یا نمک را حذف کرده و با مصرف محدود آب به این اعتصاب ادامه می دهد. آقای نظری در حال حاضر شصت و یکمین روز از اعتصاب غذای خود را سپری می کند.



حمزه درویش زندانی سنی مذهب که در ۱۶ شهریورماه با وعده مسئولین مبنی بر رسیدگی به مشکلات حقوقی و شرایطش به ۲۸ روز اعتصاب غذا پایان داده بود تنها پس از چهار روز با مشاهده خلف وعده مسئولین دست به اعتصاب غذا زد. وی اکنون هفدهمین روز اعتصاب غذای خود را با ضعف جسمانی و

افت فشار خون سپری می کند. رسیدگی بهداری زندان به این زندانی در حد ثبت فشار خون و وزن او خلاصه شده است. مسئولان زندان تاکنون هیچ واکنش یا گفتگویی با این زندانی برای بررسی مشکلاتش نداشته اند.

سهیل عربی، دیگر زندانی اعتصابی است که در سالن ۲ اندرزگاه ۷ زندان اوین از دوم شهریورماه، اعتصاب غذای اعتراضی خود را آغاز کرده است و تا امروز به این اعتصاب ادامه داده است. وزن سهیل در زمان آغاز اعتصاب غذا ۸۴ کیلوگرم بود که بر اساس

آخرین ثبت صورت گرفته در بهداری و زنش به ۶۷ کیلوگرم کاهش پیدا کرده و فشارش روی ۸ است. آقای عربی در اعتراض به آزار و اذیت خانواده خود توسط سپاه پاسداران و با خواست توقف این روند و تیرئه خود و همسرش دست به اعتصاب غذا زده است.



ارژنگ داودی، دیگر زندانی عقیدتی که ایام محکومیت در تبعید خود را در زندان زابل سپری می کند از سوم شهریورماه در حمایت از زندانیان اعتصابی زندان رجایی شهر کرج دست به اعتصاب زده است. با گذشت سی و چهار روز از آغاز اعتصاب غذا در عین اینکه زندانیان رجایی شهر کرج به اعتصاب جمعی

خود به تازگی پایان داده اند این زندانی در تبعید احتمالاً به دلیل عدم اطلاع از موضوع در حالی که در بیمارستان بستری است به اعتصاب خود ادامه می دهد. یکشنبه ۳۱ شهریورماه سال جاری زندانی سیاسی ارژنگ داودی در زندان زابل به دلیل مشکلات جسمی از جمله تغییر ناپایدار فشار و قند خون به بیمارستان امیرالمومنین این شهر منتقل شد. علت بیماری این زندانی مشخص نیست به همین دلیل به دستور پزشکان نامبرده در بیمارستان مذکور تا اطلاع ثانوی بستری خواهد ماند تا آزمایشات لازم از او گرفته شود.

مسئولان زندان از اعزام محمدعلی شمشیرزن به مرکز درمانی جلوگیری کردند



محمدعلی شمشیرزن از درویش طریقت نعمت‌اللهی گنابادی که در زندان بندرعباس نگهداری می‌شود صبح امروز در پی عارضه قلبی به بهداری زندان منتقل و علیرغم توصیه پزشک و اعلام ضرورت انجام آنژیوگرافی قلبی، مسئولان زندان از اعزام وی به مراکز درمانی خودداری کردند. مقامات زندان بندرعباس می‌گویند باید ابتدا این زندانی، هزینه درمانش را به زندان پرداخت کند تا زمینه دسترسی وی به مراکز درمانی تخصصی فراهم شود. محمدعلی شمشیرزن از درویش گنابادی در دیماه سال ۹۵ در محل

تبعیدگاهش بندرعباس بازداشت و تا امروز بدون هیچ حکم قضایی در زندان مرکزی بندرعباس بسر می‌برد. این بازداشت غیرقانونی در حالی صورت گرفته که وی در حال گذراندن دوران تبعید در بندرعباس بوده است.

عرفان حلقه؛ حدود ۳۰۰ بازداشت، ۵۲ سال زندان و ۵۵۰ ضربه شلاق

محمدعلی طاهری، که از ۱۴ اردی بهشت ماه سال ۱۳۹۰ در بازداشت به سر می برد و به تازگی و پس از نقض اولین حکم اعدام خود در دیوان عالی کشور، مجدداً از سوی دادگاه انقلاب به اتهام «افساد فی الارض» با مجازات مرگ مواجه شده است، بنیانگذار موسسه ای با عنوان «عرفان حلقه» است که طرفداران و مخاطبان پرشماری در ایران دارد. اما طاهری تنها قربانی نقض حقوق بشر در رابطه با عرفان حلقه نیست. از سال ۱۳۸۹، پس از غیرقانونی اعلام شدن این موسسه و تمامی فعالیت های حول محور آن و با اوج گیری فشارها و برخوردهای امنیتی با این تفکر، صدها تن از شهروندان نیز در این رابطه تحت فشار، تعقیب و بازداشت قرار گرفته و محاکمات صورت گرفته در دادگاه های انقلاب، به صدور رای محکومیت برای بسیاری از آن ها منجر شده است. واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، به سفارش ماهنامه خط صلح لیستی از اسامی بازداشت شدگان مربوط به عرفان حلقه تهیه کرده است. این لیست احضار شدگان، پناهندگان، افراد تحت تعقیب و همین طور کسانی را که هیچ گاه بازداشت آن ها بازتابی از سوی سازمان های مدافع حقوق بشر یا رسانه های جمعی نداشته، شامل نمی شود.

اسامی ۲۰۸ شهروند موجود است که در رابطه با فعالیت های گروه عرفان حلقه از سال ۸۹ تاکنون بازداشت شده اند. نام خواهرزاده، همسر و برادر آقای طاهری هم در همین لیست بازداشت شدگان موجود است. هم چنین از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ (تاکنون)، تعداد ۸۲ عضو یا علاقمند به عرفان حلقه، طی ۹ عملیات دستگاه امنیتی به صورت گروهی در شهرهای مختلف کشور بازداشت شدند که رسانه های نزدیک به دستگاه امنیتی این موارد را بدون ذکر نام بازداشت شدگان مخابره کردند. بنابراین هویت این افراد و سرنوشت آنان با جزئیات کافی همراه نیست... از مجموع وضعیت حقوقی ۲۰۸ متهم، برای ۳۱ فرد تاکنون رای محکومیت صادر شده است. با این حال، اکثر ۲۰۸ فردی که در این گزارش نام آنان مورد اشاره قرار گرفت وضعیتی نامعلوم دارند و در واقع در انتظار دادرسی به سر می برند. برای ۳۱ پرونده علاقمندان به عرفان حلقه که به صدور رای منتهی شده، مجموعاً ۳۴ سال و ۴ ماه حبس تعزیری، ۱۸ سال حبس تعلیقی، ۷۴ ضربه شلاق تعزیری، ۴۸۰ ضربه شلاق تعلیقی، علاوه بر ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و تعداد پرشماری رای رد مال صادر شده است.

حکم قطعی حبس و جریمه نقدی برای سه نویسنده و فعال مدنی شهر گرگان

روزبه گیلاسیان، نیما صفار و الهه سروش نیا، سه نویسنده و فعال مدنی شهر گرگان در دادگاه تجدیدنظر استان گلستان، به ترتیب به یک سال زندان، ۸۰ روز حبس و ۸ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شدند. روزبه گیلاسیان و همسرش الهه سروش نیا دو نویسنده چپگرا هستند که ۲۳ آذر ماه ۱۳۹۴ دستگیر و در دی ماه همان سال با سپردن وثیقه از زندان امیرآباد گرگان آزاد شدند. بیشتر دوران بازداشت آن ها در بازداشتگاه اطلاعات سپاه پاسداران در گرگان سپری شد اما پس از پایان دوره بازجویی به زندان امیرآباد این شهر منتقل شدند. اتهام گیلاسیان تشکیل شبه جمعیت پاتوق گرگان به قصد اقدام علیه امنیت کشور، نشر اکاذیب در فضای مجازی و ... بوده است. او و ۱۸ نفر دیگر از اعضای پاتوق در دادگاه انقلاب گرگان شعبه یک به قضاوت حجت الله قربانی چندین جلسه محاکمه شدند. گیلاسیان به پنج سال زندان و با یک درجه تخفیف به دو سال، نیما صفار به دو سال و با یک درجه تخفیف به یک سال، الهه سروش نیا به یک سال و با یک درجه تخفیف به شش ماه زندان محکوم شدند. در دادگاه دیگری روزبه گیلاسیان به اتهام نشر اکاذیب به شش ماه حبس تعلیقی محکوم شد. سرانجام در شهریورماه سال جاری دادگاه تجدیدنظر احکام این سه نفر را تخفیف داد. الهه سروش نیا، دانش آموزخته دانشگاه تیریز و دانشگاه علم و صنعت تهران در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد است. روزبه گیلاسیان نیز از رشته عمران دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در مقطع کارشناسی و رشته فلسفه علم در دانشگاه شریف در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شده است. گیلاسیان کتاب هایی همچون «فلسفه در خیابان»، «انسان ماه بهمن»، «فال های عاشقانه»، «جزوه انقلاب»، «فیلسوف کوچولو» و «اکنون دانشگاه» را نوشته است. بیشتر این کتاب ها از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز انتشار نگرفته اند و در سایت های اینترنتی منتشر شده اند. کانون نویسندگان ایران و جمعی از نویسندگان، روزنامه نگاران و اهالی قلم، در مدت بازداشت این دو نویسنده خواهان آزادی آن ها شده بودند.

تشکیل کمپین برای آزادی نرگس محمدی و آرش صادقی از سوی سازمان عفو بین الملل

عفو بین الملل از همگان دعوت کرده که با شرکت در یک کمپین به مقامات ایران خواستار آزادی نرگس محمدی و آرش صادقی شوند. با افزایش سرکوب توسط دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی، فضای تنفس برای فعالان حقوق بشر در ایران به سرعت تنگتر می شود. با این وجود، فعالان مخالف اعدام، فعالان حقوق زنان و حقوق اقلیتها، فعالان سندیکایی و بسیاری دیگر همچنان شجاعانه صدای اعتراض خود را بلند می کنند... وضعیت نرگس محمدی و آرش صادقی تنها نوک کوه یخ سرکوب در ایران است.